

مقالات



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن

مجید کاشانی

مقدمه

چنانچه مفهوم کارآمدی نظام یا کارآمدی یک سیستم سیاسی - اجتماعی را از منظر جامعه‌شناسی سیاسی بررسی و تحلیل کنیم درمی‌یابیم که این مفهوم، جزئی از اندیشه‌ی نظم‌گرایی است.

جامعه‌شناسان بر این باورند که نظم اجتماعی social order زمانی تحقق می‌یابد که اکثریت افراد یک سرزمین، جامعه‌پذیر socialized و فرهنگ‌پذیر acculturate شده باشند؛ باور داشت‌ها beliefs و ارزش‌های اجتماعی social values پذیرفته مقررات و قوانین رسمی formal law و هنجارهای موجود social norms در جامعه پیروی کنند. البته چنین بینشی بیشتر در بین نظریه‌پردازان و تفکرات اثبات‌گرایان، ساختارگرایان و کارکردگرایان دیده می‌شود (توسلی، ۱۳۷۵، ص: ۱۱۵). از نظر آنان، انسان در جامعه به عنوان عضوی از یک هیأت اجتماعی کامل و بزرگتر، دارای نقش و وظایفی از پیش تعریف شده است و البته این وضعیت همواره ثابت نمی‌ماند و در فراز و فرودهای زندگی اجتماعی دستخوش تغییر می‌گردد.

براساس این نظریات، برآیند و نتیجه‌ی کارآیی و نظم، وجود تعادل یا عدم تعادل در روابط اجتماعی و سازمانی و حکمفرمایی سلامت بر ارکان

جامعه است. ملاک تشخیص تعادل و عدم تعادل یک نظام، شرایط بهنجاری یا نابهنجاری و منوط به درک تمام ابعاد وجودی سلامت اجتماعی است. (جانسون، ۱۳۷۱، ص: ۷۸)

مفهوم‌شناسی کارآمدی

اگر کارآمدی نظام (اجتماعی، سیاسی و...) را به معنی تطبیق با مقتضیات یا شرایط جدید و توانایی برای حل مشکلاتی که برای یک سیستم یا جامعه پیش می‌آید، تعریف کنیم؛ در این صورت ما با انواع کارآمدی مواجه خواهیم شد.

در واقع کارآمدی به عنوان یک پیوستار (continuum) می‌تواند از صفر تا صد درجه شدت داشته باشد و طبیعتاً ما نه یک کارآمدی، بلکه ده‌ها سطح از کارآمدی خواهیم داشت که هر یک تنها بخش مختصری از مضمون فوق را در گنه خود جای داده‌اند. به عنوان مثال؛ کارآمدی سطحی و صوری، کارآمدی واقعی، کارآمدی پایدار، کارآمدی کم، کارآمدی متوسط، پرکارآمدی یا کارآمدی زیاد، کارآمدی پنهان، کارآمدی آشکار، و مانند آن... با توجه به آنچه بیان شد:

- ۱ - مفهوم کارآمدی در ساختار و محدوده‌ی نظری و موضوعی خاص؛ مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ، هنر و مانند آن.
- ۲ - عامل و کنشگر، ابزار، معیار و شاخص‌ها.
- ۳ - در یک ظرف مکان و زمان و در یک محدوده‌ی جغرافیایی خاص.
- ۴ - در یک محدوده‌ی ارزشی یا ایدئولوژیکی خاص معنا پیدا می‌کند. ناگفته پیداست چنانچه مطالعات کارآمدی فاقد ظرف زمانی و مکانی، فاقد کنشگر و شهروند یا دستگاه و سازمان و به خصوص فاقد چارچوب بینشی و

نگرشی باشد، چنین امری فاقد اعتبار علمی و کاملاً ناقص و مفهومی بی معنا خواهد بود.

۵- کارآمد بودن و ناکارآمد شدن، کارآمد نبودن و کارآمد شدن؛ یک ویژگی کلی رفتار انسان در زندگی اجتماعی و قابل اندازه گیری در همه ی اقشار و گروه های اجتماعی است. با این همه؛ حوزه، نوع و شکل کارآمدی و میزان عمق و سطح آن قابل توجه مردم، نظریه پردازان و محققین و دست اندرکاران حکومتی، متولیان برنامه ریزی مشاغل دولتی و رسمی و همچنین قانون گذاران کشورها بوده است.

رویکردهای نظری و بینش های کارآمدی

از دیدگاه جامعه شناسی؛ کارآمدی در محیط اجتماعی بوجود آمده و معنای اصلی خودش را نشان می دهد، در واقع کارآمدی به معنی یک وجه عام زندگی انسانها در برگیرنده ی مفاهیم دیگر؛ نظیر توانایی، قدرتمندی، بهره وری، همنوایی و همراهی، همسازی و مشارکت، تحول پذیری و پذیرش امور قانونی و سیاسی نظام اجتماعی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است، که در همه ی شرایط حیات و در همه ی گروه های اجتماعی قابل مطالعه است.

توانمندی، کارایی و کارآمدی با مفاهیم مشابه و نزدیک، یک ضرورت بنیادی و یک امر جدی برای بقای جامعه است؛ با این همه، نوع و شکل کارآمدی از یک سو و سطح، عمق و دامنه ی آن از سوی دیگر، یکی از مباحث علوم اجتماعی و سیاسی بوده است.

بطور کلی مفاهیم کارایی و کارآمدی نظام سیاسی اجتماعی را می توان با سه رویکرد اساسی بررسی و تحلیل کرد:

الف) رویکرد کارکرده‌گرایی

حامیان این دیدگاه بر این باورند که کارآمدی، زمانی تحقق می‌یابد که افراد یک جامعه از فرهنگ، باور داشت‌ها و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده‌ی جامعه در قالب مقررات و قوانین رسمی و هنجارهای موجود، پیروی کنند و هرکس به حفظ نظم اجتماعی کمک کند. بنابراین، کارآمدی به معنی ترکیب کلی ارکان سازمانی و رفتاری است که منجر به حفظ سلامت اجتماعی شود. (توسلی، ۱۳۷۵، ص: ۱۲۶) از دیدگاه این نظریه‌پردازان، انسان به عنوان یک عضو از جامعه دارای نقش و وظایفی است که در نهایت منجر به حفظ کلیت جامعه و حفظ پایداری وضعیت زندگی اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود.

از آنجا که سلامت جامعه در گرو کارکرد صحیح عناصر و اجزاء، حفظ تعادل و یکپارچگی اجتماعی و هماهنگی کل با جزء و جزء با کل است، کارآمدی به معنی حکمفرمایی کارآیی و انجام وظایف و مسؤولیت‌های به موقع و ثابت هریک از بخش‌های جامعه، منوط به درک و شناخت تمام ابعاد وجودی جامعه، مقابله با شرایط بیماری آشکار یا پنهان و حفظ سلامت آن است. در نتیجه کارآمدی هم به معنی ملاک‌های تشخیص تعادل و عدم تعادل و هم به معنی ابزار ایجاد شرایط بهنجار و تعادل اجتماعی می‌باشد. (جانسون، ۱۳۷۱، ص: ۱۱۲)

بطور طبیعی کارآمدی و ناکارآمدی در همه‌ی اعصار بر جوامع حاکم بوده است. ریشه‌ی این مفهوم در ابعاد اقتصادی - اجتماعی خود جامعه و فرایندهای زندگی اجتماعی می‌باشد. در فرایند زندگی اقتصادی - اجتماعی، انسان‌ها به هم گروه می‌خورند و توانایی هر فردی آنچنان با هریک از بخش‌های جامعه پیوند زده می‌شود که گویی یک کل یکپارچه‌اند.

تفاوت بنیادین زندگی اجتماعی مدرن یا شبه مدرن؛ با زندگی در اجتماعات سنتی، تجلی کنش‌های انسانی در قالب‌های یکپارچه‌سازی و همبستگی اجتماعی؛ نظیر تعاون، همیاری، همکاری، سازگاری و بروز توانایی‌ها و کارآمدی اجتماعی بخش‌های مختلف است؛ هر چند ستیز، رقابت، ناسازگاری و دشمنی را نیز می‌توان مشاهده کرد. از آنجا که هر نظام اجتماعی الگوهای کنشی و ارتباطی خاص خود را تولید می‌کند، در داخل هر یک از حوزه‌های فرهنگی، مشابهت و درک معانی مشترک از الگوهای کنشی و ارتباطی در بین کنشگران وجود دارد. (ریترز، ۱۳۸۰، ص: ۹۸) در جوامعی که از کارآمدی اجتماعی بیشتری برخوردارند موازین عینی همگنی و رویه سازگاری، سریع‌تر و سهل‌تر انجام می‌گیرد و به همین دلیل نظارت اجتماعی به صورت خودجوش و برنامه‌ریزی نشده در امر کارآمدی کنش‌های اجتماعی مؤثر بوده و اجتماعات انسانی را به حالت تعادل سوق می‌دهد. در واقع در جوامع نوین، ما با پیچیدگی و ناهمگنی اجتماعی بیشتری مواجه هستیم و غالباً خرده فرهنگ‌های متعدد در این اجتماعات وجود دارند و در عین حال که تمایز فرهنگی شدیدی در این اجتماعات ملاحظه می‌شود؛ از طریق سیستم‌های نظارتی، قواعد هنجاری و مقررات، نوعی وحدت کنشی در اجتماع ایجاد می‌شود که از جمله شاخص‌های کارآمدی اجتماعی است.

ب) رویکرد فرهنگی

از دیدگاهی دیگر؛ کارآمدی، یک مفهوم فرهنگی است. در یک سوی این مفهوم، خرده فرهنگ‌ها، افکار، عقاید، ارزش‌ها، ایدئولوژی و شیوه‌های سنتی ثبات یافته و در سوی دیگر؛ خرده فرهنگ‌ها، افکار، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های مدرن و هنوز پذیرفته نشده، قرار گرفته‌اند. در تعریف کارآمدی صرفاً اینکه چه چیزی کارآمد است مطرح نیست، اینکه کارآمدی چه ذات

(sensational) و ماهیتی دارد نیز مطرح است. در این صورت کارآمدی به معنی تطبیق با مقتضیات یا شرایط فرهنگی جدید جامعه و توانایی حل مشکلات فرهنگی است که برای یک جامعه پیش می‌آید. در بحث از چیستی و ماهیت کارآمدی چه بسیاری از عناصر و ابزارهایی که در نظام تغییر و تحول خرده فرهنگ‌ها و در روند نقل و انتقال ارتباطات جهانی و فرامرزی، موجودیت و اصالت خود را از دست می‌دهند و یا به عنوان بدیهیات در درون ساخت جدید استحاله می‌شوند.

موضوع بحث آنگاه که به چیستی و ماهیت کارآمدی جامعه‌ی ایران، می‌رسد، با اهمیت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. استحاله‌های سیاسی، فکری، ارزشی، عقیدتی و مانند آن، از مفاهیم، ابزارها و نظام کارآمد یا کارآمدی نظام - چه حکومتی و چه با نگرش سیستمی - پا را فراتر نهاده و لاجرم همه‌ی این عناصر جزئی از فرایند زندگی به عنوان حق، عدالت و حتی گاه الزام و اجبار یا عقیده و دین جلوه‌گر می‌شود. بطور مثال، آموزش شغل یک بایسته‌ی زندگی بشر است، یک نیاز اساسی برای تأمین معیشت است، اما همین آموزش شغلی در صورتی از کارایی و کارآمدی نظام آموزشی برخوردار است که منجر به تولید، درآمد و رفاه گردد، اما با نهادینه شدن یا استحاله‌های سیاسی، فکری، ارزشی، عقیدتی مفاهیم؛ ابزارها و روش‌های اجرایی غالباً به عنوان حق و عدالت در عمق زندگی افراد جامعه‌ی ایران، جای می‌گیرد.

ج) رویکرد سیاسی و ساختارگرایی

مدینه‌ی فاضله، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن، بر پایه‌ی خرد حکومت می‌کنند و آرمان آنان دوری از گناه، تباهی و هرگونه فساد است. اندیشمندان و عارفان تاریخ ایران و اسلام نیز بحث مدینه‌ی فاضله و آرمان

شهر را در نوشته‌های خود به میان آورده‌اند و راهکارهای گوناگونی برای رسیدن به آن اندیشیده‌اند. مسئولین چنین نظامی بر اعمال بی نقض خود می‌بالند و هیچ سخنی از ناکارآمدی نظام سیاسی نیست.

اما در دنیای واقع، هر نظام سیاسی به منظور اطلاع‌رسانی و پاسخگویی در برابر مردمی که زیر پرچم آن زندگی می‌کنند، نیازمند اثبات سطح و میزان کارایی یا کارآمدی خود و همچنین پرداختن به تئوری‌های جامعه‌پسند می‌باشد؛ به ویژه آنکه ضعف کاری، مطالعاتی یا فقد تئوری نیز در زمینه‌ی مورد نظر وجود نداشته باشد.

اگر کارآمدی نظام سیاسی را براساس دیدگاه کلان و در درون مرزهای یک کشور تعریف کنیم، با امری سروکار خواهیم داشت که در تک‌تک افراد آن کشور تجلی یافته است؛ یعنی کارآمدی نهادینه شده‌ی نظام در همه‌ی ارکان سیاسی و حکومتی؛ که مسلماً بر یک ساختار سیاسی مشخص، نمود عینی دارد. کارآمدی نظام سیاسی در صورتی بوجود می‌آید که دو طرف کارآمدی - فرد و ساختار کارآمد، و فرد و ساختار در معرض کارآمدی - ادبیات کاملاً مشترک و آمادگی پذیرش و هضم فکری همه‌ی فعالیت‌ها و ارکان یکدیگر را داشته باشند. البته منظور از دو طرف کارآمدی در این جا الزاماً فرد و حکومت نیست، چه بسا گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ (مانند احزاب سیاسی به عنوان یک گروه اجتماعی بزرگ) و یا دو سازمان با بافت رسمی وسیع نیز مطمح نظر قرار گیرد. بعلاوه در رویکرد سیاسی، محقق بیش از هر چیز با ساختارهای رسمی قانونی و ابزارهای تعریف شده و مشخص سروکار دارد.

رویکردهای نظری کارآمدی در ایران

۱- رویکرد کارکردگرایی

به زعم بسیاری از اندیشمندان غربی و شرقی، انقلاب اسلامی که «اعجاز بزرگ قرن» را رقم زد، دستاوردهای فراروانی در حوزه‌های گوناگون داشته است؛ هر چند در این راستا با فراز و نشیب‌ها، کاستی‌ها، کارشکنی‌ها و بسیاری از وقایع بزرگ و کوچک سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی نیز مواجه بوده است. بی‌شک نگاهبانی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در وهله‌ی نخست منوط به شناخت دستاوردها و سپس آسیب‌شناسی و اتخاذ راهکارهای مناسب و مؤثر جهت حفاظت از آنهاست. از این رو، جای طرح این سؤال است که به راستی انقلاب اسلامی چه نتایج و کارکردهایی داشته است؟ به عبارت دیگر، محصول این انقلاب تا چه میزان برای مردم مفید و پاسخگوی خواسته‌ها و آرمان‌های اولیه‌ی آنان بوده و در یک کلام، تا چه میزان برای ارکان سیاسی جامعه و نظام حکومت و مآلاً مردم، کارآمدی داشته است؟

نوع نگرش افراد به مقوله‌ی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، تا اندازه‌ی زیادی در مقایسه با وضعیت سیاسی جوامع دیگر و یا شرایط سیاسی قبل از انقلاب بدست می‌آید. لذا: *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی*

الف) شناخت معیارها و شناخت‌های مطلوب و وضعیت سیاسی جوامع دیگر؟

ب) آگاهی از اوضاع معیارها و شاخص‌های سیاسی قبل از انقلاب؟

ج) انتخاب معیارها و شاخص‌های استاندارد مشارکت سیاسی و مفید برای ارزیابی؟

و دیگر اینکه اتخاذ روش‌شناسی و نگرشی علمی، منطقی، آگاهانه و

منصفانه در پاسخگویی به این سؤال، نقش اساسی دارد. مسلماً مطالعه‌ی کارآمدی سیاسی نظام جمهوری اسلامی نیازمند بهره‌گیری از تئوری‌های علمی، شناخت وضعیت جوامع دیگر و اوضاع قبل از انقلاب و همچنین نیازمند معیارها و شاخص‌های ارزیابی قابل دفاع در بین افکار عمومی ایران و جهان است.

۲- رویکرد فرهنگی

مطابق یک نظریه‌ی مطرح، در جامعه‌ی ایران به دلیل توسعه‌ی ناموزون و برون‌زا و تأثیر نظام جهانی از یکسو و به علت وجود سیستم‌های نظارتی ضعیف، قواعد هنجاری و مقررات سازمانی ناکارآمد، نوعی تشتت و از دست رفتن وحدت کنشی در جامعه دیده می‌شود. به زعم اینان؛ جامعه‌ی ایران، هنوز موفق به گذار از دایره‌ی نگرش‌ها و ارزش‌های سنتی به نوین نشده است. در واقع هر چند شکل و صورت دستاوردهای تمدنی غرب (ابزار و ادوات نوین، بوروکراسی، تکنیک‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، مد و...) در اختیار جامعه‌ی ما قرار گرفته، اما نتوانسته متناسب با شرایط فرهنگی؛ محتوا و درون مایه‌ی دستاوردهای تمدنی خود را نهادینه سازد.

۳- رویکرد سیاسی و ساختارگرایی

به زعم این نظریه‌پردازان، شکل نوین بوروکراسی و ارتباطات سازمانی جامعه‌ی ایران، یکی از دستاوردهای تمدنی مغرب زمین است که اهداف، مناسبات، قواعد و ملزومات خاص خود را می‌طلبد. چنانچه مقدمات آن درست فراهم نشود، باید در انتظارگونه‌های مختلف ضعف و ناکارآمدی اجتماعی، کاهش احساس تعلق اجتماعی مردم به سازمانها، آسیب‌های اجتماعی و مانند آن بود. از منظر ساختارگرایی علاوه بر ساخت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و ضرورت کارآمدی آن، ساخت فرهنگی،

اقتصادی و اجتماعی نیز همواره با تغییرات مختلف مواجه بوده و با استفاده از یکی از ابزارهای کارآمدی؛ مانند همنوایی، نوآوری اجتماعی، مقابله‌ی مثبت و منفی، مناسک‌گرایی، انزواطلبی، شورش و انقلاب، در صدد ایجاد ساخت متعادل اجتماعی با شرایط نوین بوده است. این امر بویژه در جوامعی که در حال گذار هستند و به دلیل تغییرات درونی و بیرونی، تعادلشان برهم خورده، شدیدتر است.

در این رویکرد نظری به نظام جمهوری اسلامی ایران، بحث از توانایی مسئولین و سازمانها و مخصوصاً نهادهای انقلابی برای حل مشکلات مردم، حذف و کاهش فاصله‌ی طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی در سطح جامعه می‌شود.

ضرورت مطالعه‌ی کارآمدی نظام

در ایران، ضرورت اثبات کارایی نظام جمهوری اسلامی، بیشتر از آنکه خواسته‌ی مردم باشد، دغدغه‌ی مسؤولان نظام است که به عنوان یک تکلیف یا نگرانی، به کارآمدی یا ناکارآمدی خود فکر می‌کنند. یکی از ضرورت‌های مهم در طرح تدوین کارنامه‌ی کارآمدی نظام این است که گاهی در بیان مطالب و نوشته‌ها و گفته‌ها مشاهده می‌شود که قضاوت منصفانه‌ای نسبت به نظام و انقلاب اسلامی صورت نمی‌گیرد؛ از جمله عدم تبیین دقیق اهداف و برنامه‌های انقلاب اسلامی و نظام و دستاوردهای آنها، عدم گزارش‌دهی مناسب به افکار عمومی و مانند آن، علاوه بر این با توجه به اینکه انقلاب اسلامی از اولین روز پیروزی‌اش، با مخالفت‌های جدی در کارآمدی‌اش توسط دشمن دانا و دوست نادان، مواجه بوده لزوم این مطالعه به مراتب بیشتر می‌باشد.

از طرف دیگر ممکن است نسل عامل انقلاب؛ یعنی کسانی که در مسیر

انقلاب حضور داشتند، به علت ضعف حافظه‌ی تاریخ یا تئوری فراموش کنند که وضعیت قبل از انقلاب چگونه بود و این انقلاب چه دستاوردهایی داشته است؟ مسلماً مردم‌سالاری دینی مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی بوده است. اگر خواسته باشیم به کارنامه‌ی انقلاب اسلامی در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی اشاره کنیم و تا حدی به قضاوت‌های غیرمنصفانه‌ای که صورت می‌گیرد پاسخی داده شود، باید مقوله‌ی مردم‌سالاری دینی و کارآمدی جمهوری اسلامی به لحاظ نظری و از دیدگاه‌های علمی تبیین شود.

سؤال اساسی این است که آیا نظام‌های جامعه‌ی ایران، به عنوان یک کشور در حال توسعه، به علت هجوم عدیده‌ی تغییرات تکنولوژیکی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و به دنبال عدم تعادل ناشی از انقلاب اسلامی، حداقل در یک دوره‌ی بیست و هفت‌ساله، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ توانسته است بر همه‌ی آسیب‌های سیاسی و ابزارهای ناکارآمدی دو نظام نوین و کهن اجتماعی و به ویژه نابسامانی فراگیر ساخت سازمانی دولت ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی غلبه پیدا کند؟

با توجه به تعریف فوق از کارآمدی نظام و این موضوع که جامعه‌ی ایران در شرایط گذار تکنولوژیکی و تأثیرات نظام جهانی قرار گرفته، در صورتی شناخت کارآمدی سیاسی - اجتماعی آن مفید است که وجه تعادل بین‌المللی و قضاوت جهانی مبنی بر بی‌طرفی علمی در تحلیل‌ها مدنظر باشد. در شرایط نوین جامعه و نظام جمهوری اسلامی، این امر به ویژه با توجه به نقش منطقه‌ای و موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران، نیاز ضروری است که به مطالعه‌ی کارآمدی نظام سیاسی، اهمیت بیشتری دهد. جامعه‌ی ایران به علت مرکزیت بسیاری از تغییرات برون مرزی، پشت سر گذاشتن

بی‌تعدالی نظام اجتماعی داخلی بر اثر جنگ و انقلاب، تکیه‌ی بیش از حد به ابتکارات شناور و نه چندان قالب‌بندی شده یا قانونمند در دوره‌های محاصره‌ی اقتصادی (که البته بسیار ارزشمند نیز بوده است)، تأکید فراوان بر ایثار و فداکاری مسئولین و حتی دست‌اندرکاران میانی و سطوح پایین‌تر، با ورود موج‌های جدید رفاه‌طلبی، وسایل مدرن زندگی و سرانجام، افزایش سطح انتظارات و مطالبات قشر جوان و تحصیل‌کرده، ناگهان خود را در برابر دهها سؤال منطقی و غیرمنطقی یافته است، هر چند به واقع و بالطبع نباید انتظار کارآمدی بالا و کاملی را در کلیه‌ی سطوح و لایه‌های اجتماعی از این نظام داشت، با این وجود مشاهده می‌شود که در سطوح اجرایی سیاسی و نخبگان سیاسی، به گونه‌ای تساهل و تغافل، در شبکه‌ی روابط اجتماعی و در مواجهه با انتظارات و مطالبات قشر جوان و تحصیل‌کرده، وجود داشته است. با این وجود برگردن همه است که فریاد مظلومیت نظام را چه کارآمد و چه ناکارآمد با یک بی‌طرفی علمی به گوش همه‌ی سؤال‌کنندگان داخلی و خارجی برسانند. بعلاوه ضرورت نظری دیگر از این جهت است که در حال حاضر، در بهره‌گیری از مفاهیم و چارچوب نظری در ارتباط با موضوع مورد بررسی، خلاء و تنگنای اساسی وجود دارد. مناسب‌تر آن است که برای بهره‌گیری شایسته از ادبیات نظری، هریار نیازمند مرور مجدد آمار و اطلاعات پایه‌ای و رجوع به کلیه‌ی دیدگاه‌های نظری سیاسی و بهره‌گیری از الگوسازی غرب (که متناسب با ظرایف اجتماعی - فرهنگی جامعه‌ی ایران نیست) نباشیم. این نوع مطالعات، حداقل، گامی در جهت نزدیک‌تر شدن به این هدف مهم است، تا بخشی از اطلاعات پایه برای مطالعات بنیادین در زمینه‌ی کارآمدی نظام سیاسی - اجتماعی کلان کشور ایران فراهم شود.

مسئله‌ی شناخت دقیق سطوح و گستره‌ی کارآمدی و یا زمینه‌های

ناکارآمدی، فراترازکار و وظیفه‌ی یک یا چند دستگاه و سازمان است. ضمن آنکه توجه کلان و بینش جامع‌نگری تا اندازه‌ای می‌تواند به اصلاح برخی روش‌ها، ابزارها و نهادهای اثربخش در چینش و طبقه‌بندی اولویت‌های نظام (نه در یک دستگاه خاص) منجر شود و به حفظ ارتقاء هویت اسلامی و ملی کمک کند. بدیهی است با پذیرفتن مقتضیات نوین زندگی اجتماعی و احترام به تفاوت‌های فرهنگی و رفتاری و قوانین و مقررات ناظر بر آنها چه در نظام داخلی و چه در نظام جهانی، اساس کار بهتر فراهم خواهد شد، که مالاّ موجب می‌شود تا به کارآمدی اجتماعی بیشتری دست یافت. برعکس چنانچه نگاه فرابخشی به اولویت‌های نظام و آسیب‌ها یا ناکارآمدی‌های بخشی و فرابخشی نشود، شاهد بسط و گسترش هرچه بیشتر انواع ستیزها و تنش‌های سیاسی، حزبی، اداری، اجتماعی، اقتصادی، آسیب‌ها و انحرافات کلان و ناکارآمدی بیشتر دستگاه‌های اجرایی در هدایت و برخورد با مسایل اجتماعی - فرهنگی کشور در آینده‌ی نزدیک خواهیم بود. از این رو ضروری است، شجاعانه مسأله‌ی کارآمدی یا ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی با یک بی‌طرفی علمی، از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و الگوها و بینش‌های اسلامی امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری و سایر صاحب‌نظران اسلامی، مورد شناخت و تحلیل قرار گیرد.

سوای چنین اتفاقی، شناخت و تبیین کارآمدی و یا بالعکس ناکارآمدی نظام سیاسی و دولتمردانش، چه در گذشته و چه در حال حاضر، به طور کلی نه تنها موجب افوق جایگاه نظام، مراکز رسمی، گروه‌ها و تشکیلات رسمی سیاسی و اقتصادی کشور در بین مردم ایران نخواهد شد، بلکه به زعم بسیاری از صاحب‌نظران این حربه‌ی دشمنان انقلابی اسلامی نیز چون حربه‌های دیگر آنها از کار خواهد افتاد. اتفاقاً شناخت و تبیین مستند ریشه‌ی

نابسامانی‌ها، انواع کجروی‌ها و کارشکنی‌ها و اقدامات خرد و کلانی که در این سرزمین بوجود آمده است و بطورکلی شناخت میزان و چگونگی کارآمدی و حتی ناکارآمدی سیاسی - اجتماعی نظام؛ می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات فقدان نظریه‌ی جامع الاطراف برای پاسخگویی به شبهات و شیطنت‌های سیاسی و جنگ روانی داخلی و خارجی ناشی از آن، علیه جمهوری اسلامی ایران باشد.

موانع و محدودیت‌های مطالعه‌ی کارآمدی نظام

در زمینه‌ی شناخت مسایل سیاسی و اقتصادی - که ریشه در بطن فرهنگ سنتی جامعه دارد - معمولاً کسب پاسخ‌های واقعی، با مشکلات زیادی همراه است، به ویژه اگر سؤالات و یا نتایج تحقیق، احساسات متولیان دولتی را برانگیزد، می‌تواند مشکلاتی را در انجام بررسی و تحلیل ناکارآمدی سیاسی - اجتماعی نظام، پیش آورد. بهتر است در هنگام جمع‌آوری اطلاعات بررسی و تحلیل کارآمدی، تأمل بیشتری صورت گیرد. علاوه بر این، برخی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی - سیاسی کشور، از همکاری لازم در این بخش بنابر ملاحظات خودداری می‌کنند. با توجه به مجموعه‌ی مباحث فوق، می‌توان مشکلات اساسی تحلیل کارآمدی را در سه گروه اصلی گنجانند:

- ۱ - مشکلات و تنگناهای نظریه‌آزمایی
- فقدان نظریه‌پردازی، انتخاب نظریه‌ی جامع
- ضرورت متناسب‌سازی نظریات علمی با ویژگی‌های جامعه‌ی ایران و بومی‌سازی نظریات
- ۲ - مشکلات و تنگناهای روشی (تعریف ابزارها، همکاری و

پاسخگویی سازمان‌ها و پاسخگویی افراد و مشکلات خاص سازمان‌های دولتی در ایران).

۳- مشکلات و تنگناهای سازماندهی مطالعات (تداخل و اختلاط مفهوم کارآمدی نظام با سایر مفاهیم متعارف در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی و مرزبندی دقیق شاخص‌ها).

۴- محدودیت‌های ناشی از موضوع کارآمدی نظام (گستره‌ی دامنه‌ی موضوع و حوزه‌های رسمی اجتماعی - سیاسی، فرهنگی و اقتصادی).

۵- محدودیت‌های زمانی - مکانی مطالعات (چگونگی گزینش واحدها، امکان تعمیم داده‌ها و کمبود زمان).

علاوه بر موارد اساسی فوق، محدودیت‌ها و موانع ذیل نیز در انجام اینگونه مطالعات مؤثرند:

- عدم دسترسی آسان به منابع و آمار معتبر در ارتباط با موضوع کارآمدی نظام.

- فقدان پیشینه‌ی مطالعات و تحقیقات در ارتباط با موضوع کارآمدی نظام، به طوری که تاکنون هیچ نوع طرحی با صورت خاص در ارتباط با این موضوع در ایران دیده نمی‌شود.

- بالاخره گستردگی داده‌های خام و تداخل اطلاعات و آمار در ارتباط با موضوع کارآمدی نظام.

نتیجه‌گیری

کارآمدی در ادبیات جامعه‌شناسی در سطح کلان، به عنوان یک مقیاس عام رفتاری و یکی از گزینه‌های کنش سازمانی، ساختاری و اجتماعی و در سطح خرد، به عنوان یک واحد کنش فردی، مورد تأکید بسیاری از

صاحب نظران است.

دو نگرش اساسی برای یافتن رابطه‌ی منطقی میان وظیفه و توانمندی نظام پیش‌بینی شده؛ که یکی انطباق قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها نظام اداری با نقش و وظایف یک دولت ایده‌آل و مطلوب و دیگری انطباق قابلیت و توانمندی‌های نظام اداری با نقش کنونی دولت است و توسعه‌ی ملی، بدون وجود دولتی کارآمد محال است. برقراری تناسب منطقی میان نقش و توانمندی، کار حیاتی و برای توسعه ضروری است.

از آنجایی که مسأله‌ی کارآمدی اجتماعی یکی از ضرورت‌های اساسی و عام کلیه‌ی نظام‌های اجتماعی است و دایره‌ی مفهومی آن بسیار گسترده‌تر از دیگر مفاهیم می‌باشد، بخش اعظم کنش‌های انسانی در نظام‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد، زیرا در این معنا، کلیه‌ی جوامع به واسطه‌ی مکانیسم‌های درون‌زا و برون‌زای تغییرات اجتماعی؛ همچون جنگ، مهاجرت، اختراع و تحولات تکنولوژیک، جمعیت، حوادث و رخدادهای طبیعی و غیره دچار دگرگونی‌هایی می‌شوند که برهم زنده‌ی تعادل این جوامع می‌باشد، لذا نیاز به کارآمدی اجتماعی به عنوان یک ضرورت اجتماعی در کلیه‌ی نظام‌های اجتماعی و از جمله جامعه‌ی ما (ایران عزیز) مطرح می‌شود. البته سه محور از مفاهیم کارآمدی شامل:

- حوزه و نوع کارآمدی اجتماعی

- سطح و شدت کارآمدی اجتماعی

- معیار، ابزار و چگونگی کارآمدی اجتماعی؛ که با وضعیت فردی،

گروهی، سازمانی، رسمی و دیگر شرایط مقایسه می‌گردد، در این موضوع

قابل طرح است.

هریک از دیدگاه‌ها به گونه‌ای خاص به موضوع نگاه می‌کنند. متفکران

ساخت‌گرا، شرط بقاء و استمرار سیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی و شخصیت کنش‌گران را در مفهوم کارآمدی اجتماعی مستتر می‌دانند. از سوی دیگر، نظریه پردازان مکتب تضاد، بر این باورند که کارآمدی اجتماعی و توجیه آن در خدمت صاحبان قدرت و محصول روابط نابرابر نظام در سطوح مختلف است و در واقع راهکار اصحاب قدرت است که با طرح کارآمدی اجباری، مؤید بیشتر ساختارهای اجتماعی موجود و به ضرورت موجد کارآمدی طبقات مردم ضعیف با آن می‌شوند، دیدگاه‌های مطروحه‌ی دیگر در سطح کلان و خرد؛ برای تبیین کارآمدی اجتماعی؛ دیدگاه‌های رفتارگرایی و روان‌شناسی اجتماعی است که هریک از منظری خرد به مسأله‌ی کارآمدی اجتماعی پرداخته‌اند.

با نگاهی گذرا به کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح کلان می‌توان نقاط قوت بی‌شماری را در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف مشاهده کرد. آنچه در این میان از اهمیت فراوان برخوردار است، تبیین دقیق و مناسب این نقاط قوت و جستجوی راهکارهای مقابله‌ی منطقی و خردپذیر با منفی‌بافی‌ها است. البته باید به کاستی‌ها و نقاط ضعف - که بستر سوء استفاده‌ها را فراهم می‌کنند - توجه شود و با برنامه‌ریزی به ترمیم خلل و جبران کاستی‌ها پرداخت و برای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی تلاش کرد تا بتوان الگویی موفق ارائه نمود.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی